

بررسی ملکوت اعمال و تأثیر آن در رفتار از دیدگاه روان‌شناسی اسلامی

سید ابوالقاسم حسینی

استاد روان‌پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

چکیده

اهمیت باطن و یا ملکوت اعمال موضوعی است که در فرهنگ اسلامی بر آن تأکید فراوان شده و معیار افعال انسان قرار گرفته است. نویسنده ضمن تعریف مفهوم ملکوت در فرهنگ اسلامی، سعی نموده با کمک از مفاهیم علم روان‌شناسی ثابت نماید میان رفتار ظاهری انسان و ملکوت اعمال ارتباط وجود دارد.

وی معتقد است اعتقاد به ملکوت سبب اصلاح شناخت، رفتار و روش زندگی، واقع‌گرایی و خودکنترلی خواهد شد که در این مقاله به آنها پرداخته شده است.

مقدمه

«ان الله لا ينظر الى صوركم و اعمالكم وانما ينظر الى قلوبكم و نياتكم»؛ البته خداوند به صورت‌ها و رفتارهای شما نمی‌نگرد، و فقط قلب‌ها و نیت شما را در نظر دارد. ممکن

مفهوم ملکوت با مفهوم باطن و واقع، در متون اسلامی استعمال شده است و معیار در ارزیابی انسان جنبه‌های واقعی عملکرد اوست و ظاهر رفتار معیار نیست. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید:

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۸.

است ظاهر عمل، صالح باشد و به عنوان مثال فرد نماز بخواند و یا کار خیر دیگری را انجام دهد، ولی قصد ریا داشته باشد. در این حال ظاهر عمل برای او نتیجه‌ای ندارد و معیار ارزیابی، جنبه باطنی و نیت اوست. بر عکس ممکن است انسان در شرایطی قرار بگیرد و بر خلاف عقیده باطنی خود کاری را انجام دهد. یاز در این جا ظاهر عمل صدمه‌ای به ایمان او نمی‌رساند و معیار، جنبه باطنی است. در این مورد عملکرد عمار یاسر (در صدر اسلام) نمونه خوبی است.

او هنگامی که توسط کفار دستگیر شد مطالبی گفت که موافقت او را با آنها تداعی می‌کرد و در نتیجه آزاد شد. عمار از حرفی که زده بود سخت ناراحت بود، به رسول خدا ﷺ ماجرا را گزارش کرد. پیامبر ﷺ فرمود: «در آن هنگام که این حرف را زدی قلب تو چگونه بود؟ آیا به آنچه گفتی راضی بودی یا نه؟» عمار پاسخ داد: خیر! آیه ۱۰۶ سوره نحل در این هنگام نازل شد که این پیام را دارد: «هر کس که بعد از ایمانش به خداوند کفر ورزد (بازخواست شود) مگر کسی که اکراه شود به کفر و قلب او به ایمان مطمئن باشد. ولی کسانی که دل پر کفر نهاده باشند، خشم خداوند بر آنان است و عذابی

سهمگین دارند».

پس از دریافت این پیام، پیامبر ﷺ به عمار گفت: «اگر بار دیگر هم در چنین وضعی قرار گرفتی همین عمل را انجام بده»^۱.

لازم است ابتدا مفهوم ملکوت در لغت و فرهنگ اسلامی تعریف شود.

منظور از ملکوت در روان‌شناسی اسلامی باطن و واقع اشیاء است. در لغتنامه دهخدا آمده است:

ملکوت عبارت از باطن جهان است و ملک عبارت از ظاهر آن و به حقیقت، ملکوت هر چیز، جان آن است که آن چیز به او قائم است (مرصاد العباد یادداشت به خط مرحوم دهخدا)^۲. در فرهنگ علوم عقلی، ملکوت به معنای عالم مجردات به طور مطلق به کار رفته است^۳.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر کس برای خدا علم بیاموزد و به آن عمل کند و به دیگران بیاموزد در ملکوت آسمان‌ها عظیم خوانده می‌شود و گویند برای خدا آموخت،

۱- علامه طباطبایی، الیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی، ج ۲۴، ص ۱۸۹-۲۸۵.
 ۲- لغتنامه دهخدا، ج ۱۴، ص ۱۴۹۷.
 ۳- سجادی، فرهنگ علوم عقلی، ص ۵۷۸.

برای خدا عمل کرد و برای خدا تعلیم داد»^۱.
به نظر می‌رسد ملکوت آسمان‌ها در این
بیان، باطن جهان باشد.

ابو بصیر از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در
مورد روح می‌پرسد. امام علیهما السلام می‌فرماید:
«عاملی است که در تمام جنبندگان و
انسان وجود دارد».

ابو بصیر سؤال خود را تکرار می‌کند و
ماهیت روان را جویا می‌شود.

امام جواب می‌دهند: «از ملکوت قدرت
است»^۲. با مرور این پاسخ، مفهوم ملکوت
نیز برای ما روشن می‌شود؛ یعنی همان طور
که استاد دهخدا مطرح ساخته است،
ملکوت جان، قدرت است و انسان به
ملکوت خود قائم است و ملکوت او همان
روان اوست.

بنا به تعبیر استاد مدنی هر چیزی هم
ملک دارد و هم ملکوت و این واقعیت در
مورد تمام رفتارهای ما مانند نماز، روزه،
زکات و رفتارهای عادی ما صادق است^۳.

در زبان انگلیسی نیز ملکوت با
معادل‌های عالم ملکوت (celestial world) و
عنوان ملکوتی (heavenly Celestial) و
روحانی (spiritual) به کار رفته است، ولی با
توجه به کاربرد مفهوم ملکوت معادل قلب،
باطن، معنی و واقع اشیاء به نظر می‌رسد که

لغات قلب (Heart)، فکر (Mind)، وجدان
(Conscience)، ملکوتی (Esoteric)، معنوی
(HEART FELT) و (Spiritual) را بتوان
معادل با مفهوم ملکوت و یا معنای مورد نظر
در متون اسلامی به کار گرفت. در فرهنگ
فارسی انگلیسی حمیم این مفاهیم در مورد
باطن و باطنی به کار رفته‌اند.

این واقعیت در زندگی روزمره ما خود را
نشان نمی‌دهد، ولی نمود آن در فعل و
انفعال‌های انسان قابل مطالعه است. بنا به
گزارش قرآن مجید، یکی از نمودهای آن به
صورت تجسم رفتار (embodiment)
می‌باشد که در طیف وسیعی از آموزش‌های
اسلامی مطرح شده است.

این پدیده یک بار در زمان موسی علیه السلام در
زندگی روزمره تحقق یافته و در رؤیای پیامبر
اسلام صلی الله علیه و آله نیز در مورد گروهی از افرادی که
به ظاهر مسلمان بوده‌اند، بروز نموده است.
بنا بر متون اسلامی، بروز شاخص این پدیده
در دنیای دیگر خواهد بود. در این مقاله
سعی خواهد شد تا آشنایی نسبی با این
جنبه‌ها به وجود آید.

۱- کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۳.

۲- حویزی، نورالثقلین، ج ۳، ص ۲۱۶.

۳- مدنی، جلسات اختصاصی حل مسئله، ۱۳۸۵.

به منظور فهم معنی تجسم یا تجسد اعمال، لازم است مروری اجمالی به ساختار شخصیت از دیدگاه روان‌شناسی اسلامی داشته باشیم.

علی علیه السلام می‌فرماید: «خداوند فرشتگان را عقل محض خلق کرد و حیوانات را شهوت محض آفرید و در انسان هر دو نیرو را قرار داد. اگر کسی عقل خود را بر شهوت حاکم کند از فرشته برتر و چنانچه شهوت خود را بر عقل حاکم کند از حیوان پست‌تر است»^۱.
انسانی که عقل خود را بر شهوت حاکم نموده است می‌توان به نام انسان کنترل شده (دیاگرام شماره ۱) و انسانی که شهوت او بر عقلش حاکمیت دارد می‌توان به نام انسان کنترل نشده نام‌گذاری کرد^۲ (دیاگرام شماره ۳).

چنان‌که در دیاگرام‌ها مشاهده می‌شود هدف زندگی و مسیر حرکت در این دو انسان کاملاً متفاوت است. هدف زندگی در یک انسان کنترل شده، دست‌یابی به رشد و قرب الهی تا بی‌نهایت و مسیر حرکت او از انجام تکلیف در پیشگاه خداوند می‌گذرد. انجام تکلیف در پیشگاه خداوند را ما در دیاگرام شماره ۲ خلاصه کرده‌ایم.

هدف انسان کنترل نشده (دیاگرام شماره ۳) که شهوت یا هوای نفس بر عقل حاکمیت

دارد، دست‌یابی به لذت تا بی‌نهایت است و مسیر حرکت از طریق هوای نفس می‌گذرد؛ یعنی فقط خواست خویش را در تمام سیستم‌های اساسی زندگی حاکمیت می‌دهد. بنا بر تعییر امام علی علیه السلام این نوع ساختار شخصیت به نام شخصیت وارونه (قلب معکوس = قلب منکوس) نام‌گذاری می‌شود^۳.

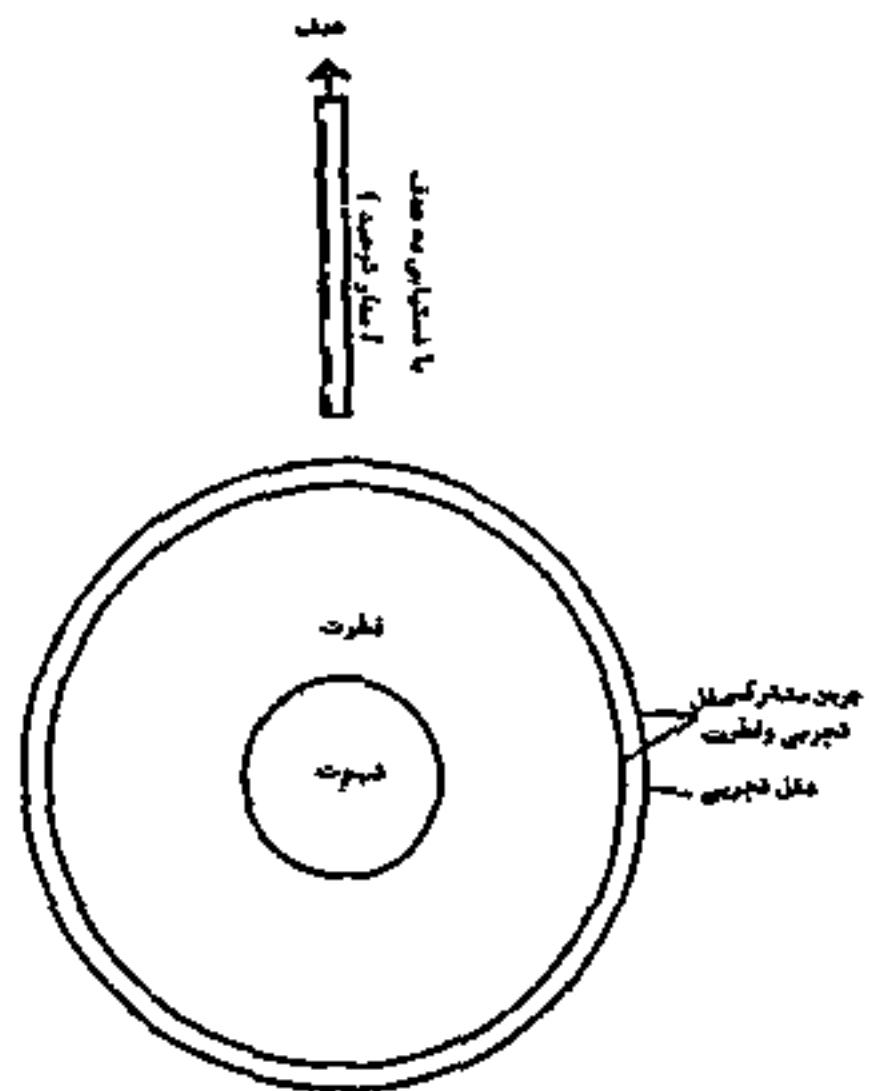
حاکمیت مداوم عقل فطری (فطرت = وجدان) بر شهوت و در نتیجه حرکت مستقیم به سوی کمال، عملاً نزد معدودی از افراد بشر جلب توجه می‌نماید که در روان‌شناسی اسلامی به نام معصوم خوانده می‌شوند. بعضی انسان‌ها تحت تأثیر خانواده و محیط و عدم تحریر حقیقت از ابتدای تکلیف به سمت سقوط سیر می‌کنند. اکثر مردم همواره میان رشد و سقوط در حال نوسان می‌باشند که خود، معلول

۱- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۶۴.

۲- سید ابوالقاسم حسینی، روان‌شناسی اسلامی برای دانشجویان مرکزی و فرآیندهای رابط بین ساخت و فعالیت‌های عالی قشر مخ، ص ۱۰۶-۱۲۵، همراهِ «زیربناهای نظری روان‌شناسی اسلامی»، فصلنامه اصول بهداشت روانی، ش ۱۸، ۱۳۷۸، ص ۱۷.

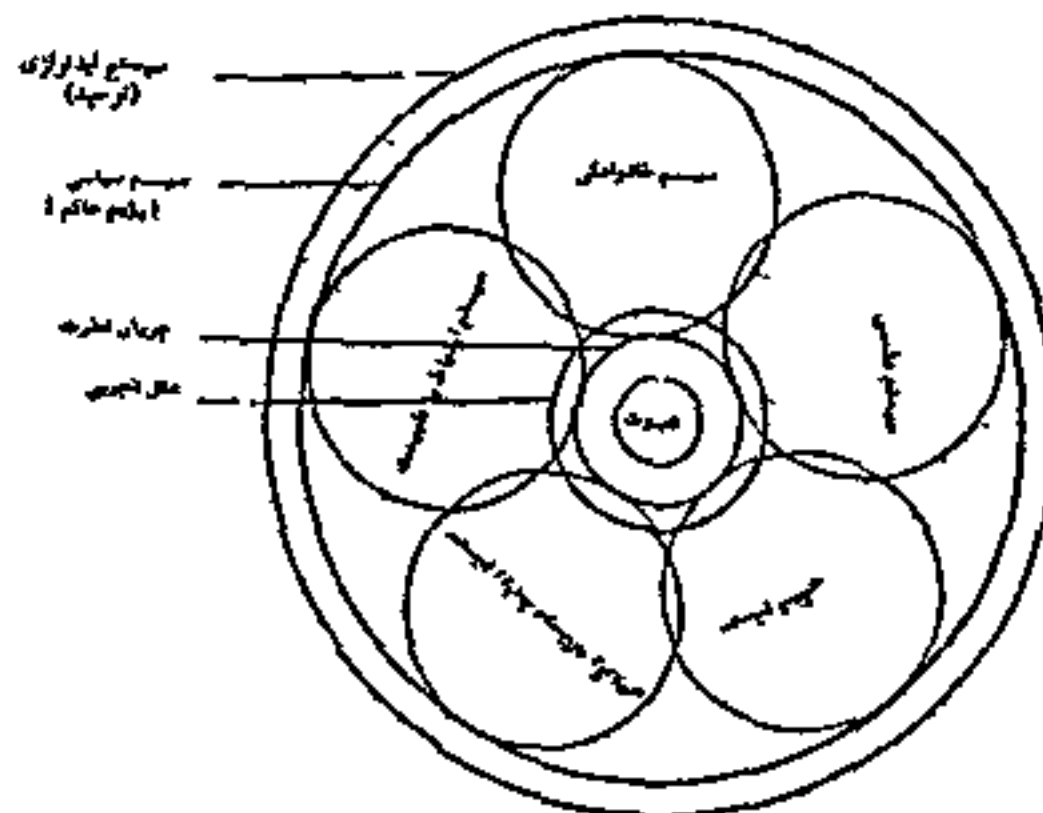
۳- محمدی ری‌شهری، میزان الحکمة، ج ۸، ص ۲۱۹-۲۲۰.

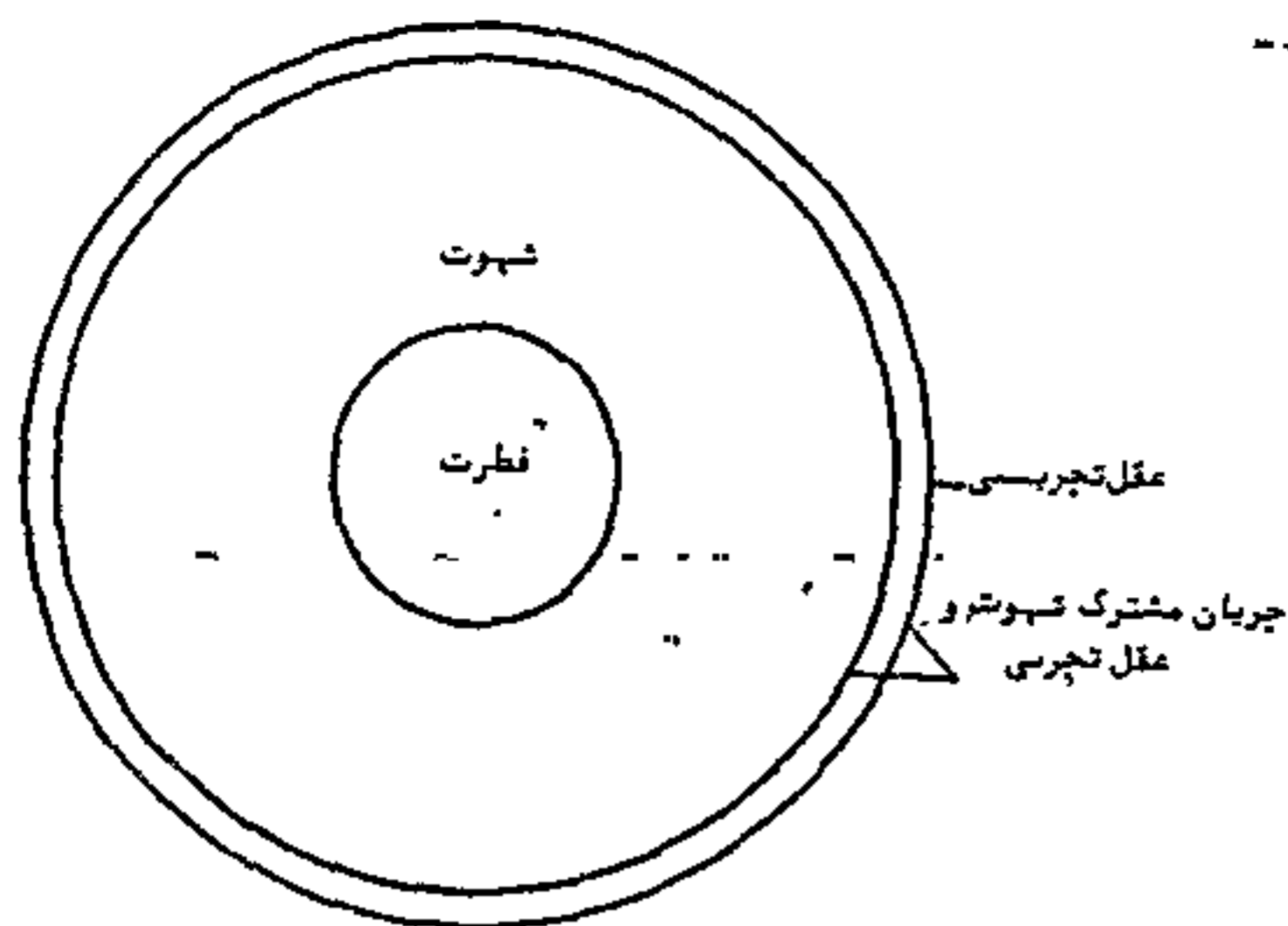
انجام تکلیف‌ها بر برابر حمایت و پشتیبانی به رشد تا حد بی‌کیفیت



نمودار شماره ۱- نمودار سازمان شخصیت، مسیر حرکت و انگیزه‌های رفتار در یک انسان رشد یافته و در حال رشد. مسیر خروج انسان

نمودار شماره ۲- حاکمیت مدار توحید بر تمام سیستم‌های اصلی زندگی انسان





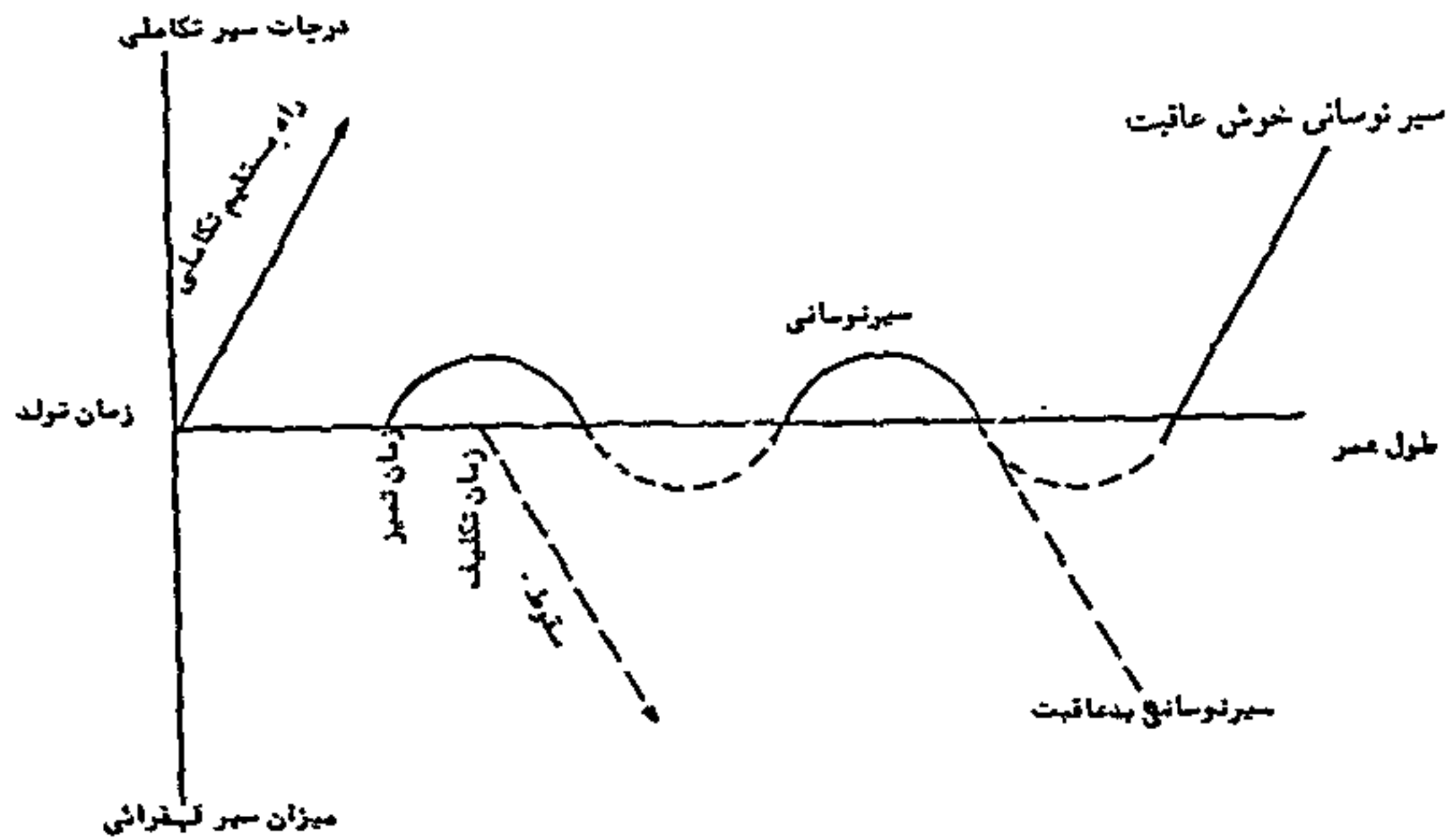
برآوردن تمايلات فريزي و دست يابی به لذت تا حد بی نهایت

نمودار شماره ۳- نمودار سازمان شخصیت، مسیر حرکت

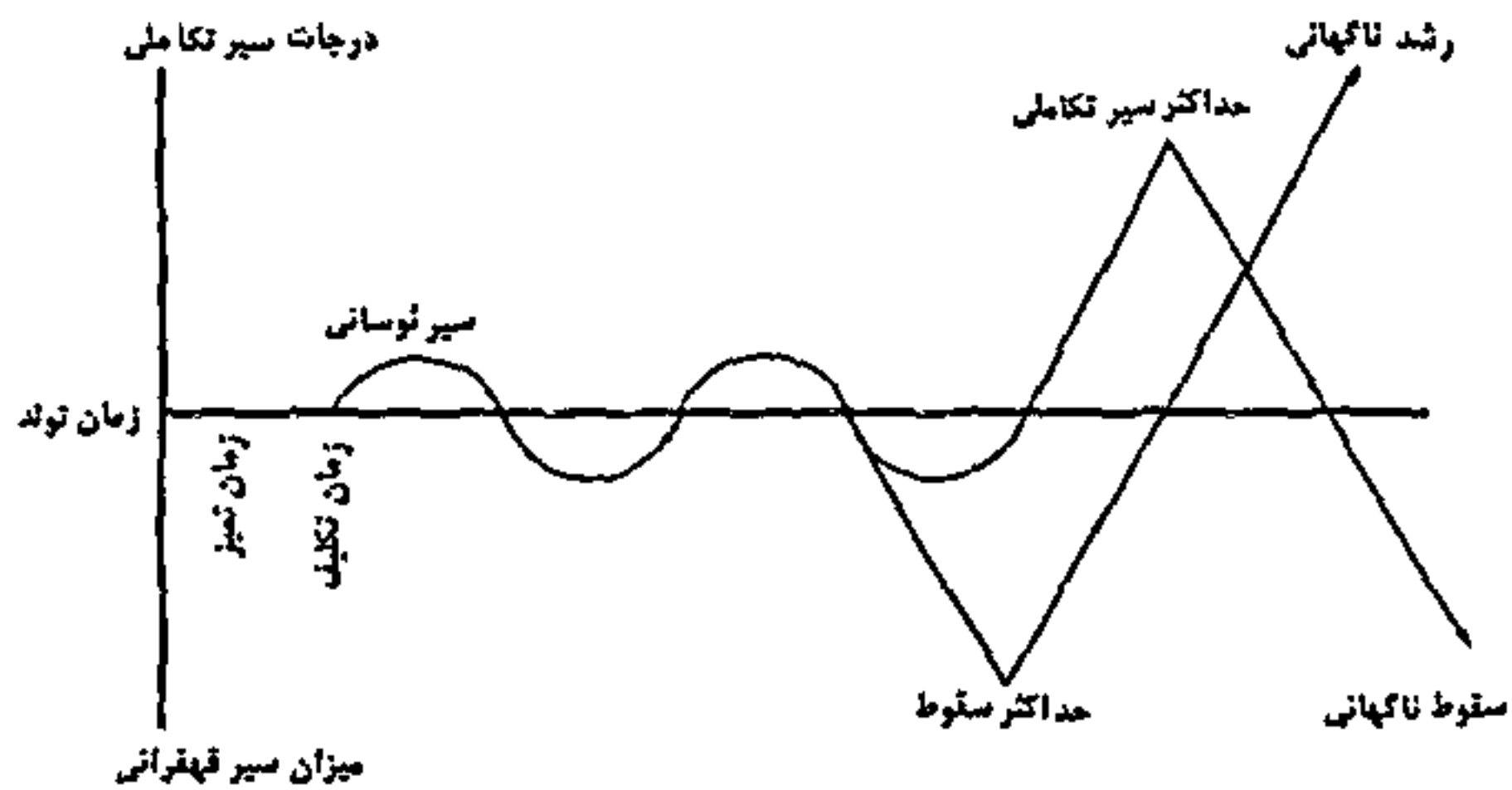
انگیزه‌های رفتار در یک انسان در حال سقوط

به سمت سقوط سیر نماید (سیر نوسانی بد عاقبت) (دیاگرام شماره ۴). تغییر مسیر از اوج کمال به سمت سقوط و از سقوط به بیست کمال نیز کاملاً امکان پذیر است (دیاگرام شماره ۵).

فعل و انفعال‌های بین شهوت و فطرت است. در نهایت کار، ممکن است فطرت غلبه نماید و در نتیجه فرد در پایان زندگی به سمت رشد سیر نماید (سیر نوسانی خوش عاقبت) و یا شهوت حاکمیت یابد و فرد در پایان زندگی



نمودار شماره ۴- فعل و انفعال‌های جریان‌های اصلی روانی در طول زندگی در کلیه انسان‌ها



نمودار شماره ۵- تغییر ناگهانی از مسیر تکاملی به سقوط و برعکس

نکته مهمی که باید توجه داشت این واقعیت است که انسان در حال رشد (بالای محور افقی در دیاگرام‌های شماره ۴ و ۵) ملکوت و باطن او انسان است و هنگامی که در مسیر سقوط می‌باشد، ملکوت او حیوان می‌باشد. نوسان‌های خفیف و زودگذر، تغییر اساسی و شدیدی در او به وجود نمی‌آورند، ولی در حالی که فرد به طور ثابت زیر محور افقی قرار گیرد (دیاگرام‌های شماره ۴ و ۵) ملکوت او حیوان خواهد بود که بر حسب نوع عملکرد، نوع حیوان نیز متفاوت و به صورت میمون، خوک، سگ یا گرگ و مورچه خواهد بود. در متون اسلامی که این جانب با آنها آشنا شده‌ام بیشتر بر روی پنج حیوان فوق تأکید شده است.

روش بررسی

استاد فقید محمد باقر حکمت نیا معتقد بود که در کشف دیدگاه‌های اسلامی علوم، باید از چهار منبع اساسی زیر استفاده نمود:

۱- کتاب الهی

۲- سنت، شامل آموزش‌های پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام

۳- فطرت

۴- علوم حاکم بر جهان^۱.

بر اساس این رهنمود که کاملاً عقلانی

است ما در این پژوهش از منابع مذکور استفاده می‌کنیم. در مورد استفاده از قرآن مجید و سایر متون اسلامی، علاوه بر استفاده از کتاب‌های مدرونی که توسط دانشمندان اسلام در این زمینه تدوین شده‌اند، از روش حل مسئله برای اطمینان از یافته‌های خود با استادان حوزه و دانشگاه نیز در ضمن نشست‌های اختصاصی در این مورد تبادل نظر کرده‌ایم.

زیربناهای پژوهش

۱- تعریف نظریه علمی بر اساس علمی بودن آنچه حسی است و غیر علمی بودن برداشت‌های عقلانی، صحیح نیست و باید این تعریف اصلاح شود؛ زیرا محدود کردن واقعیات جهان به آنچه حسی است، خردورزی و تعقل و استدلال‌های منطقی را از محدوده علم خارج می‌کند. علم هم جنبه‌های حسی و هم جنبه‌های عقلانی را شامل می‌شود.

۲- بین روان‌شناسی و مکتب اسلام

(مکتب توحید شامل همه ادیان توحیدی)

ارتباط وجود دارد که نتایج به دست آمده

۱- محقق باقر حکمت نیا، افاضات جله پزشکان،

می تواند به نام مکتب روان شناسی اسلامی (الهی) نام گذاری شود. این مکتب زمینه خوبی برای کارهای مشترک علمی و گفت و گو بین تمام ادیان الهی است.

۳- مکتب اسلام علاوه بر این که یک دین است، می تواند به عنوان یک مکتب روان شناسی با رویکرد خاص مطرح شود.

۴- رویکرد مکتب روان شناسی اسلامی، واقع گرایی است. بنابراین می توان «مکتب روان شناسی واقع گرایانه» را به عنوان مرادف مکتب روان شناسی اسلامی به کار برد.

۵- مکتب روان شناسی اسلامی یک مکتب علمی است. مفهوم علمی از دیدگاه اسلام با معنای واقع گرایی مطرح می شود و شامل جنبه های حسی و عقلانی هر دو می گردد.

۶- مکتب روان شناسی اسلامی (الهی) می تواند و باید به عنوان مکتب معیار روان شناسی و ایجادکننده هماهنگی بین تمام مکاتب روان شناسی مورد استفاده قرار گیرد.

۷- تمام آموزش های اسلامی برای شکوفایی فطرت و کنترل شهوت می باشند. از زیر بناهای یاد شده توسط نویسنده در یک مقاله اختصاصی دفاع شده است.^۱

پیش فرض های پژوهش

۱- بین مفهوم رفتار انسان و ملکوت ارتباط وجود دارد.

۲- تنها نظریه اصالت روان (vitalism) و کلی نگری (holism) که در ساختار وجودی انسان بر یک عامل غیر شیمیایی تأکید می کنند، می توانند ارتباط رفتار انسان و ملکوت را توجیه کنند.

۳- فراگیری و پذیرش ارتباط رفتار و ملکوت، موجب اصلاح شناخت می گردد.

۴- فراگیری و پذیرش ارتباط بین رفتار و ملکوت، می تواند عواطف را اصلاح کند.

۵- فراگیری و پذیرش ارتباط بین رفتار و ملکوت، موجب اصلاح رفتار می گردد.

۶- فراگیری و پذیرش ارتباط بین رفتار و ملکوت، موجب اصلاح سبک و روش زندگی می گردد.

۷- فراگیری و پذیرش ارتباط بین رفتار و ملکوت، زمینه پذیرش مفهوم سعادت از دیدگاه روان شناسی اسلامی را فراهم می آورد.

۸- فراگیری و پذیرش ارتباط بین رفتار و ملکوت، موجب افزایش خودکنترلی می گردد.

۱- «زیربنای نظری روان شناسی اسلامی»، فصلنامه اصول بهداشت روانی، شماره ۱۸.

۹- فراگیری و پذیرش ارتباط بین رفتار و ملکوت، موجب واقع‌گرایی بیشتر می‌گردد. دفاع از پیشفرض‌ها بدین صورت انجام می‌گیرد:

۱- بین رفتار و ملکوت ارتباط وجود دارد. در قرآن مجید آمده است: ﴿يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُخَضَّرًا﴾ (آل عمران / ۳۰)؛ روزی که هر کس کارهای بد و خوب خود را حاضر شده بیند.

علامه طباطبایی این آیه را تأییدی بر تجسم اعمال می‌داند^۱.

آیه دیگری که می‌توان در تأیید مفهوم ملکوت مطرح کرد آیه ۱۱۰ سوره بقره می‌باشد که در آیه ۲۰ سوره مزمل نیز تکرار شده است: ﴿وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾؛ و هر خیری پیشاپیش برای (ذخیره آخرت) خویش بفرستید آن را نزد خدا خواهید یافت.

در تفسیر این آیه محقق فقیه سید عبدالاعلی موسوی سبزواری می‌گوید: «در سیاق این آیه به ظهور نفس عمل در آخرت تصریح شده است»^۲.

در آیات ۶-۸ سوره زلزله نیز چنین می‌بینیم: ﴿يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ﴾ * فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ *

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ؛ در چنین روزی انسان‌ها گروه گروه بازگردند تا کارهایشان را به آن‌ها بنمایند. پس هر کس همسنگ ذره‌ای عمل خیر انجام داده باشد، آن را می‌بیند. و هر کس همسنگ ذره‌ای عمل ناشایست انجام داده باشد، آن را می‌بیند.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیات می‌گوید: «در آن روز اهل سعادت و رستگاری از اهل شقاوت و هلاکت متمایز می‌شوند، تا اعمال خود را ببینند و جزای اعمالشان را نشان دهند. آن‌هم نه از دور، بلکه داخل در جزای خود کنند و یا به این که خود اعمال را به صورت تجسم اعمال به ایشان نشان دهند»^۳.

در مورد مفهوم ملکوت و تجسم رفتار در قرآن مجید در آیات ۶۵ و ۶۶ سوره بقره چنین می‌بینیم: ﴿وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ﴾ * فَجَعَلْنَاهَا تَكَالًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا

۱. علامه طباطبایی، المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی، ج ۵، ص ۲۸۱.

۲. سید عبدالاعلی موسوی سبزواری، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۲۲.

۳. علامه طباطبایی، المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی، ج ۱، ص ۲۴۹.

وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ؛ حال کسانی از خودتان (یهود) را که از روز شنبه تجاوز کردند، خوب می شناسید که به ایشان گفتیم بوزینگان مطرود باشید. و این پدیده را مایه عبرت مردم حال و آینده و پسندآموز پرهیزکاران ساختیم.

استاد فقید شیخ محمود یاسری در خلاصة التفسیر خود ذیل آیه فوق چنین می گوید: «برای یهود روز شنبه ماهی گرفتن حرام بود و آن‌ها حيله کردند و کنار دریا حوض‌هایی کردند. روز شنبه ماهی‌ها به حوض می آمدند و آخر روز، راه دریا به حوض را می بستند و روز یکشنبه ماهی‌ها را در حوض می گرفتند»^۱.

در آیه دیگری از قرآن مجید آمده است: ﴿قُلْنَا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنحَنَّا الَّذِينَ يَتَقَوَّنَ مِنَ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعِقَابٍ رَّيِّسٍ بَمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ (اعراف / ۱۶۵)؛ و چون پندی را که به ایشان داده بودیم از یاد بردند، کسانی را که نهی از منکر کردند نجات دادیم و مستمکاران را به عذابی شدید گرفتار کردیم، چرا که نافرمانی کرده بودند.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید: «آن‌ها سه گروه بودند:

گروهی دستور را می پذیرفتند و دیگران را هم به آن امر می کردند. آن‌ها نجات پیدا

کردند.

گروهی دستور را می پذیرفتند، ولی دیگران را به آن امر نمی کردند. آن‌ها به صورت میمون مسخ شدند. گروهی نه دستور را می پذیرفتند و نه دیگران را به آن امر می کردند. آن‌ها هلاک شدند»^۲.

همچنین در آیه ۶۰ سوره اسراء چنین آمده است:

﴿وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحُوتَهُمْ مَّا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا﴾؛ و رؤیایی را که به تو نمایانندیم و شجره نفرین شده در قرآن را جز برای آزمون مردم قرار ندادیم و ایشان را بیم می دهیم، ولی جز طغیان شدید آنان نمی افزاید.

علامه طباطبائی در شأن نزول این آیه می گوید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در خواب دیدم که بنی امیه در همه شهرها بر فراز منبرها پرآمده اند و این که به زودی بر شما سلطنت می کنند و شما ایشان را بدترین ارباب خواهید یافت». از آن به بعد رسول

۱- محمود یاسری، خلاصة التفسیر.

۲- علامه طباطبائی، المیزان، ترجمه سید محمد یاقر

مرسوی، ج ۲۵، ص ۲۱-۲۵۶.

خدا ﷻ در اندوه عمیقی فرو رفت و خدای تعالی این آیه را فرستاد: «آن‌گاه علامه در تفسیر آیه فرق می‌گوید: «هیچ دلیلی بر جواز تأویل آیاتی که ظهور در وقوع معجزه دارند، نداریم مگر این که موضوع جنیه محال بودن داشته باشد» و سپس اضافه می‌کند: «تبدیل شدن صورت انسان به نوعی دیگر از حیوانات (مسخ شدن) مثل این که انسان به صورت میمون یا خوک درآید مانعی ندارد. در این حال فرد مزبور انسان میمون و انسان خوک خواهد بود». علامه در پایان چنین نتیجه می‌گیرد: «خلاصه این که نفس آدمی بر اثر ملکات مخصوص به خود، صورت‌هایی را به خود می‌پذیرد و این صورت‌ها در مقام نفس موجود هستند و هیچ مانعی ندارد که در بعضی موارد، همین دنیا به مرحله ظهور و بروز برسند، چنانچه در آخرت و پس از مرگ چنین خواهد شد. نفس انسان در اول حدوث، یک حالت سادگی و مطلق بودن دارد که بر اثر اعمال خود ممکن است تنوع به صورت خاصی پیدا نماید و حالت سادگی آن از بین برود»^۱.

امام سجاده علیه السلام ضمن اشاره به مسخ گروهی از بنی اسرائیل به شکل میمون، اضافه می‌کند: «آن‌ها را خداوند به علت صید ماهی مسخ کرد. پس فکر می‌کنی حال قومی

که فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله را کشتند و نسبت به حریم او هتک حرمت کردند چگونه خواهد بود؟ اگر چه خداوند آن‌ها را در این دنیا مسخ نکرده است، ولی به اضعاف مضاعف عذاب‌هایی را برای آن‌ها در آخرت آماده کرده است که از عذاب مسخ بالاترند»^۲.

امام عسکری علیه السلام به نقل از علی علیه السلام بیان می‌کند خداوند به بندگان خود امر کرده تا از مسیر آن‌ها که مورد غضب خداوند قرار گرفته‌اند که همان قوم یهود هستند به خداوند پناه ببرند که خداوند در مورد آن‌ها گفته است:

﴿قُلْ هَلْ أَنْتُمْ بِشَرِّ مِنْ ذَلِكَ مَثْوًةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَعَظِمَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ﴾ (مائده / ۶۰)؛ بگو از کسانی که نزد خداوند از این هم بد سرانجام‌ترند آگاهتان کنم؟ (اینان) کسانی هستند که خداوند آن‌ها را لعنت کرده و بر آنان خشم گرفته و طاغوت را پرستیده‌اند و (خداوند) آنان را بوزینه و خوک گردانیده است. این‌ها بد مقام‌تر و از راه راست (از همه) گم‌گشته‌ترند.

۱- علامه طباطبایی، المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی، ج ۱، ص ۲۷۳-۲۷۸.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۹۵.

در آیه دیگری آمده است: ﴿وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ * يَوْمَ يُخْمَىٰ عَلَيْهَا فِي تَارٍ جَبْهَتُهُمْ فَتَكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ﴾ (توبه / ۳۴ و ۳۵)؛ و کسانی که زر و سیم می‌اندوزند و آن را در راه خدا خرج نمی‌کنند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده. آن روز که آن را در آتش جهنم تافته کنند و پیشانی و پهلو و پشت آنان را با آن داغ بگدازند (به آنان گویند) این همان است که برای خودتان انداخته بودید، پس (طعم) انداخته‌های خود را بچشید.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه فوق، منظور از کنز را نگهداری یا ذخیره کردن مال و خودداری از این که در میان مردم جریان پیدا کند و انتفاع از آن عمومی گردد و خودداری از ادای حقوق واجب می‌داند.

علامه در شرح آیه فوق می‌نویسد: «در روز قیامت آتش جهنم بر پول‌های دفینه شده دمیده می‌شود تا سرخ گردند. آن‌گاه با همان‌ها پیشانی و پشت و پهلویشان داغ می‌شود و به آن‌ها گفته می‌شود: این همان پول‌هایی است که برای خود جمع کرده بودید. اینک همان را بچشید؛ زیرا این همان پول‌هایی است که امروز به صورت عذاب

درآمده است و شما را شکنجه می‌دهد»^۱. نکته‌ای که آیه فوق به آن اشاره دارد، تأکید بر ملکوت «عمل کنز» است که به صورت آتش، خود را نشان می‌دهد.

باید توجه داشت مفهوم ملکوت فقط شامل رفتارهای نادرست نیست، بلکه تمام رفتارهای انسان را دربر می‌گیرد. در آموزش‌های اسلامی اعتقاد بر این است که حقیقت یا واقعیت هر عمل با عنوان ملکوت در روز قیامت مجسم می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که خداوند مؤمن را از قبر خویش مبعوث می‌نماید، مثالی (موجودی با قیافه انسان که ملکوت اعمالش می‌باشد) با او خارج می‌شود که هرگاه مؤمن اضطرابی از اضطراب‌های روز قیامت را می‌بیند به او می‌گوید نترس و بگمگین مشو و بشارت باد تو را به سرور و کرامت از جانب خدای عزوجل، تا آن‌که در پیشگاه خداوند قرار می‌گیرد و از او حساب ساده‌ای می‌شود، در حالی که این مثال در چیلو اوست دستور رفتن به بهشت داده می‌شود. در این حال مؤمن گوید خدا تو را رحمت کند خوب کسی بودی که با من از قبر

۱. علامه طباطبایی، المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی، ج ۱۸، ص ۹۰-۱۱۷.

خارج شدی و همواره مرا از جانب خدا به سرور و کرامت بشارت دادی. تو کیستی؟ او می‌گوید من سروری هستم که در دنیا به برادر مؤمنت وارد کردی. خداوند مرا از آن خلق کرد تا تو را بشارت دهی»^۱.

به نظر می‌رسد که رفتار و ملکوت دو مفهوم مکمل یکدیگر می‌باشند. مفهوم رفتار شکل ظاهری و قابل مشاهده کارهای انسان را نمودار می‌کند و مفهوم ملکوت، محتوای واقعی و معنوی آن را نشان می‌دهد. مکتب اسلام به ابدی بودن انسان تأکید می‌کند و مفهوم ملکوت بُعد مثبت و منفی محتوای زیستی او را تا ابد مشخص می‌کند. تدوین این جنبه‌ها و آموزش آن در بُعد وسیع در جوامع بشری موجب می‌گردد تا انسان‌ها به حالت بیداری (یقظه) برسند و از طریق کنترل شناخت، عواطف و رفتار خویش زمینه دستیابی به سعادت ابدی را برای خویش فراهم آورند و از شقاوت ابدی در امان بمانند.

تجسم و تجسد اعمال در حوزه‌های تفسیر قرآن، فلسفه، کلام، اخلاق، عرفان و حکمت متعالیه^۲ به نوعی مطرح است. برای یک فرد مسلمان، معیار پذیرش آن، دیدگاه قرآن و آموزه‌های معصومان علیهم‌السلام می‌باشد و نظرهای مطرح شده در عرصه‌های مزبور

هنگامی صحیح هستند که با دو معیار فوق، هم‌خوانی داشته باشند. نکته بسیار مهم این است که قرآن و آموزش‌های معصومان علیهم‌السلام باید به عنوان محور اصلی بحث، مورد استفاده قرار گیرند.

استاد حکمت نیا بر این واقعیت تأکید می‌کرد که مکتب اسلام برای زمینه‌سازی پذیرش مبانی خود سعی می‌کند تا این مبانی را به صورت قابل حس ارائه دهد. به نظر می‌رسد تأکید بر ملکوت در قرآن مجید و سایر آموزش‌های اسلامی در راستای همین سیاست می‌باشد.^۳

۲- تنها نظریه‌های اصالت روان (vitalism) و کلی‌گرایی (holism) می‌توانند ارتباط بین رفتار و ملکوت را توجیه کنند. نظریه‌های مطرح شده در مورد حیات را می‌توان در سه نظریه زیر خلاصه نمود:

الف - نظریه مکانیستی حیات؛
ب - نظریه اصالت حیات؛

۱- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۷۲.

۲- رضا کشاورز، تجسم و تبیین عقلانی آن در حکمت متعالیه، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال چهارم، ش ۱۲، تابستان ۱۳۸۳، ص ۱۰۳-۱۲۴.

۳- محمد باقر حکمت‌نیا، افاضات جلمه پرتشکان، ۱۳۷۱-۱۳۸۲.

ج - نظریه کلی‌گرایی.

در تعریف نظریه مکانیستی حیات (mechanistic approach) چنین آمده است: «نظریه‌ای فلسفی مبنی بر این که تمام رویدادها و پدیده‌ها بدون ارتباط با میزان پیچیدگی آنها به‌طور نهایی در چهار چوب مکانیکی قابل فهم هستند. این دیدگاه به‌طور جدی جبرگرایانه و در تضاد با گروهی از دیدگاه‌های دیگر نظیر دوگانه‌گرایی، آرمان‌گرایی و حیاتی‌نگری است.»

در تعریف نظریه اصالت حیات یا حیاتی‌نگری (vitalism) چنین آمده است: «دیدگاهی فلسفی مبنی بر این که نیروی حیاتی که با اصول مکانیکی، شیمیایی یا فیزیکی قابل توضیح نیست، مسئول زندگی است»^۱.

در آنسیکلوپدی اصالت روان با ایدئالیسم (idealism) مترادف معرفی شده است. در نظریه ایدئالیسم این دید وجود دارد که فرایندهای انتزاعی و غیر مادی (ایده‌ها ideas) بر ماده مقدم‌اند.

نظریه کل‌گرایی (holism = wholism = wholistic approach) بر چسبی کلی برای هر روش فلسفی است که بر اورگانیزم زنده تمرکز می‌کند. مفهوم کلی دیدگاه کل‌گرایی این است که یک پدیده مرکب را نمی‌توان با

تحلیل اجزای تشکیل دهنده آن فهمید^۲.

نکته بسیار مهم این است که پذیرش ارتباط بین رفتار و ملکوت جز با پذیرش روان (عامل حیات) به عنوان یک واقعیت غیر مادی امکان‌پذیر نیست و نظریه مکانیستی حیات به هیچ وجه توانایی توجیه و فهم آن را ندارد؛ زیرا طبق نظریه مکانیستی حیات، انسان جز مجموعه‌ای از ملکول‌ها که با شالوده (PATTERN) اختصاصی کنار هم قرار گرفته‌اند چیزی نیست. حال پس از بر هم خوردن این شالوده امکانی برای توجیه و فهم ابدیت و ملکوت باقی نمی‌ماند. این‌جانب در بررسی‌های خود وجود تناقض را در نظریه مکانیستی حیات ثابت نموده‌ام و در نتیجه زمینه مناسب برای حاکمیت در نظریه اصالت روان و کلی‌گرایی که هر دو به وجود یک عامل غیر شیمیایی در انسان اعتقاد دارند، فراهم می‌آید^۳.

۱- پورافکاری، فرهنگ جامع روان‌شناسی و روان‌پزشکی، ج ۱، ص ۶۸۱ و ج ۲، ص ۸۹۷ و ۱۱۵۸۰ برای بررسی بیشتر در باره این نظریه همچنین بنگرید به: سید ابوالقاسم حسینی، بررسی مقدماتی اصول روان‌شناسی، ج ۱، ص ۸۵-۴۶۱، فصل دوم.

۲- همان.

۳- سید ابوالقاسم حسینی، بررسی مقدماتی اصول روان‌شناسی، ج ۱، ص ۸۵-۴۶۱.

۳- فراگیری و پذیرش ارتباط بین رفتار و ملکوت موجب اصلاح شناخت می‌گردد. پذیرش یا عدم پذیرش مفهوم ملکوت موجب ایجاد دو شناخت متضاد در انسان‌ها می‌شود. اعتقاد به معاد و ابدیت یکی از اصول دین اسلام و یک اصل مشترک بین تمام ادیان الهی است. اعتقاد واقعی به معاد یک دید بسیار وسیع به انسان می‌دهد که با افزایش ظرفیت روانی (شرح صدر = Psychic Capacity) همراه است.

در زمان پیامبر ﷺ قرار شد مسیحیان نجران و آن حضرت برای اثبات حقانیت خود علیه یکدیگر نفرین کنند و این روند در آیه ۶۱ سوره آل عمران مورد اشاره قرار گرفته است. پیامبر اسلام فرمود: «قسم به خدایی که نفس من در دست اوست که عذاب به اهل نجران نزدیک شده بود و اگر نفرین می‌کردند به صورت میمون و خوک مسخ می‌شدند»^۱.

امام حسین ﷺ هنگامی که یکی از یاران ایشان به نام زهیر به زمین افتاد (شهید شد) گفت: «ای زهیر! خداوند تو را از خویش دور نمی‌کند و قاتل تو را لعن کرده است؛ آن‌ها را که به صورت میمون و خوک مسخ شده‌اند لعن می‌کند»^۲.

ما ملکوت و واقعیت خود و انسان‌های

دیگر را در این دنیا نمی‌بینیم، ولی معصومان علیهم‌السلام ملکوت انسان‌ها را در همین دنیا نیز مشاهده می‌کنند و در موارد لازم به نزدیکان خود نیز نشان می‌دهند؛ به عنوان مثال دو مورد در متون اسلامی ذکر شده‌اند. در یک مورد امام سجاد علیه‌السلام ملکوت حاجیان را به یکی از دوستان خود به نام زهری نشان می‌دهد که ملکوت بعضی از آن‌ها به صورت میمون و گرگ و بعضی به صورت انسان بوده‌اند. در این آموزش، امام علیه‌السلام تنظیم شناخت، عواطف و رفتار با دین خالص الهی را به عنوان معیار انسانیت ذکر می‌کند و خروج از جنبه‌های فوق را عامل تغییر ملکوت به صورت میمون و گرگ بیان می‌کند^۳.

در جایی دیگر امام باقر علیه‌السلام باز هم در مراسم حج، ملکوت حاجیان را به ابوبصیر نشان می‌دهند که بعضی به صورت میمون و خوک و بعضی به صورت انسان بوده‌اند^۴.

با تأمل در این روایت‌ها واقعاً شناخت انسان عمق بیشتری می‌کند و می‌کوشد تا

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۴۵.

۲- همان، ج ۴۵، ص ۲۵.

۳- همان، ج ۱۰، ص ۳۹.

۴- همان، ج ۴۶، ص ۲۶۱.

طبق ضوابط دین خالص الهی عمل کند.

۴. فراگیری و پذیرش ارتباط بین رفتار و ملکوت می تواند عواطف را اصلاح کند. اعتقاد به ملکوت هم به عنوان یک عامل بشارت دهنده موجب تحریک و ایجاد انگیزش برای انجام کارهای نیک و هم به عنوان یک عامل ترساننده برای خودداری از رفتارهای غیر قابل قبول می تواند و باید مورد استفاده قرار گیرد. بشارت ها و مجازات ها در ضمن بندهای دیگر مطرح شده اند.

۵. فراگیری و پذیرش اعتقاد به ملکوت موجب اصلاح رفتار می گردد. با اصلاح شناخت و عواطف در اثر تأکید بر ملکوت اعمال، مقدار زیادی از رفتار فرد اصلاح می شود. در بعضی آموزش ها ضمن آن که جنبه های شناختی و عاطفی دارند مخصوصاً بر مکاتیبم ایجاد رفتار سقوط دهنده تأکید شده است. امام علی علیه السلام حسد را ناشی از کوری دل (دیاگرام شماره ۲) و انکار بخشش خداوند می داند و این دو عامل را به عنوان بال های کفر نام می برد و اضافه می کند که به وسیله حسد انسان به حسرت ابدی می رسد و به هلاکتی وارد

می شود که هرگز از آن نجات نخواهد یافت. امام علیه السلام با تأکید بر عوارض ناشی از حسد که مشکل های ابدی برای انسان به وجود می آورد، سعی می کند انسان را به خودداری از آن حسد وادار کند^۱.

در روان شناسی یادگیری اصطلاح کشش یا سائقه (DRIVE) به نیرویی که فرد را به عمل یا پاسخ دادن و می دارد اطلاق می شود. هر محرکی که موجب عمل شود کشش است. دو نوع کشش می شناسیم: الف - کشش های اولیه یا کشش های آموخته نشده (non-learned drives) که ناشی از نیازهای اولیه انسان هستند.

ب - کشش های ثانویه که در نتیجه عوامل فرهنگی اجتماعی به وجود می آیند و به نام کشش های آموخته شده (LEARNED DRIVE) نیز نامیده می شوند و در رفتار انسان، در فرایندهای تطابق اجتماعی و نیز در دستاوردهای انسان اهمیت اساسی دارند.

برگه (CUE) به محرکی اطلاق می شود که مشخص می کند چه وقت باید به کشش پاسخ داده شود؛ مثلاً هنگامی که راننده ای به محض دیدن تغییر چراغ سبز راهنمایی به

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار ج ۷، ص ۲۵۵.

چراغ زرد، ترمز می‌کند می‌تواند به عنوان یک برگه تلقی شود. هرگونه محرکی به شرط آن که به قدر کافی مشخص و متمایز باشد می‌تواند به عنوان یک برگه به شمار آید.^۱

در حقیقت برگه (CUE) را می‌توان به عنوان محرک قطعی مطرح ساخت؛ یعنی محرکی که پاسخ، بلافاصله به دنبال آن می‌آید. به نظر می‌رسد اعتقاد به ملکوت و تجسم اعمال، که برای انسان نتایج ابدی دارد، می‌تواند به عنوان یک محرک قوی وارد عمل شود و رفتار انسان را اصلاح نماید.

۶- فراگیری پذیرش ارتباط بین رفتار و ملکوت موجب اصلاح سبک و روش زندگی می‌گردد.

با اصلاح شناخت، عواطف و رفتار در اثر تأکید بر مفهوم ملکوت، سبک و روش زندگی انسان اصلاح می‌شود و انسان به صورت داوطلبانه و با آرامش کامل ساختار زندگی خود را طوری تنظیم می‌کند تا از هر انحرافی دور باشد و حداکثر رشد را برای خود و دیگران به ارمغان آورد.

آموزش‌های اسلامی با ارائه ملکوت رفتارهای انحرافی و سقوط‌دهنده، سعی

می‌کنند زمینه سبک و روش زندگی همراه با خودکترلی را فراهم آورند.

امام صادق علیه السلام در مورد تجسم نماز، زکات، کارهای نیک و صبر می‌فرماید: «هنگامی که مؤمن در قبر قرار می‌گیرد نماز در سمت راست و زکات در سمت چپ او قرار می‌گیرند و کارهای نیک بر او سایه می‌اندازند در این حال صبر که در ناحیه خاص خود قرار دارد، خود را نشان می‌دهد. هنگامی که دو فرشته مسئول پی‌گیری کارهای او وارد می‌شوند، صبر به نماز و زکات و نیکی می‌گوید: «دو نیکم صاحبکم فان عجزتم عنه فانا دونه»؛ به او کمک کنید. اگر ناتوان شدید، من به او کمک می‌کنم»^۲.

در آیه ۱۸ سوره نبا چنین می‌بینیم: ﴿يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ قَتَاتُونَ أَفْوَاجًا﴾؛ روزی که در صور دمیده شود و فوج فوج بیایند.

هنگامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از تفسیر این آیه مورد سؤال قرار می‌گیرند، به مخاطب می‌فرمایند: «از موضوع بزرگی سؤال

1- Linford Rees, A Short Textbook of Psychiatry, Hodder & Stoughton, p. 49-53.

۲- شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۱۷۰ حرّ عاملی، مسائل الشيعة، ج ۳، ص ۲۵۵.

کردی» و اشک از چشم‌های ایشان جاری می‌شود و اعلام می‌فرمایند: «ده گروه از امت من به صورتی محشور می‌شوند که خداوند متعال، آنان را از مسلمانان متمایز قرار داده و صورت‌های آنان مبدل شده‌اند:

بعضی به صورت میمون، بعضی به صورت خوک، بعضی به شکل واژگون هستند؛ پای آنها به بالا و صورت آنها به زیر است و به حال شناور قرار می‌گیرند، بعضی به صورت افراد کور آمد و شد می‌کنند، بعضی کر و لال هستند و فاقد حس تعقل می‌باشند، بعضی زبان‌های خود را می‌جویند و چرک از دهان آنها جاری است که جمعیت از بوی آن ناراحت می‌شوند، بعضی دست‌ها و پاهای آنها قطع شده است، بعضی به شاخه‌های آتش په دار کشیده شده‌اند، بعضی از مردار بدبوتر هستند، بعضی لباس‌هایی پوشیده‌اند که از قطران است و به پوست آنها چسبیده است».

رسول خدا ﷺ شرح تفصیلی گروه‌های فوق را به صورت زیر بیان می‌کند:

«گروهی که به صورت میمون هستند افراد سخن‌چین می‌باشند.

گروهی که به صورت خوک هستند اهل به دست آوردن مال از راه حرام، هستند.

گروهی که با سر خود واژگون هستند ریخواران‌اند.

گروه کور، انسان‌هایی هستند که در حکم دادن خود، ظلم روا می‌دارند.

گروهی که کر و لال می‌باشند افرادی هستند که نسبت به اعمال خود عجب می‌ورزند.

گروهی که زبان خود را می‌جویند عالمان و قاضیانی هستند که رفتار آنها با گفتارشان مخالف است.

گروهی که دست و پای آنها قطع شده افرادی هستند که همسایه خود را می‌آزارند. گروهی که به شاخه‌های آتش په دار کشیده شده‌اند، سعایت‌کنندگان مردم برای حکمرانان هستند.

گروهی که بوی آنها از مردار تعفن بیشتری دارد کسانی هستند که از شهوت و لذت‌های حرام استفاده می‌کنند و حقوق الهی را در اموال خویش نمی‌پردازند.

گروهی که لباس قطرانی می‌پوشند افرادی هستند که نسبت به دیگران فخر می‌فروشدند و تکبر و خودپسندی دارند»^۱.

متون اسلامی در این مورد بسیار گسترده‌اند، و در یک بررسی اختصاصی

۱- حموی، نورالتلین، ج ۵ ص ۴۹۳-۴۹۴.

می توان آن‌ها را در یک کتاب مفصل تدوین نمود. در این جا به عنوان تکمیل مطلب به چند مورد دیگر اشاره می شود:

پیامبر اسلام ﷺ می فرماید: اگر کسی به یک انسان مؤمن نگاه تهدیدآمیز داشته باشد، خداوند در روز رستاخیز او را به صورت مورچه محشور می فرماید^۱ و انسان‌های ستمگر و متکبر نیز به صورت مورچه محشور خواهند شد^۲.

رسول خدا ﷺ بعضی از مشاهدات خود را در شب معراج به صورت زیر بیان کرده اند:

مشاهده زن آوازه خوان به صورت سگ که آتش از پشت او وارد و از دهان او خارج می شده است و فرشتگان با گرزهای آتشین به سر و بدن او می زده اند^۳.

زنی که به شوهر خود خیانت کرده، با پستان آویزان بوده است^۴.

زنی که در فساد جنسی بین مرد و زن فعالیت می کرده است، صورت و دستانش سوخته و در حال خوردن امعاء و احشای خود بوده است^۵.

فرشتگان در حال ساختن بنایی بوده اند که یک خشت آن از طلا و یک خشت از نقره بوده است، و در بعضی اوقات کار خود را متوقف می کرده اند. وقتی پیامبر ﷺ علت

توقف کار را جویا می شوند، به ایشان گفته می شود ما منتظر مصالح ساختمانی هستیم که همان ذکر «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» می باشد^۶.

چنان که مشاهده می شود، طیف عمل این پدیده بسیار گسترده است و چه بسا هر یک از ما را دربر گیرد. واقعاً باید لحظه به لحظه دعای پیامبر اسلام ﷺ را عاجزانه خواند:

«رب لا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدأ»؛ خدایا یک چشم به هم زدن مرا به حال خود وا مگذار. در ضمن لازم است با مراقبه دائمی، خودکنترلی را تا هنگام مرگ ادامه داد.

تأکید بر جنبه های فوق، لزوم تطبیق رفتار ارادی با آموزش های توحیدی و تطبیق سبک و روش زندگی با سبک و روش استاندارد توحیدی (دیاگرام شماره ۲) را الزامی می سازد و می تواند و باید به عنوان یک عامل محرک قوی در تنظیم برنامه زندگی

۱- نوری، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۲۷.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۳۱.

۳- همان، ج ۷۹، ص ۷۶.

۴- همان، ج ۷۶، ص ۱۹.

۵- همان، ج ۷۶، ص ۱۱۴.

۶- همان، ج ۹۰، ص ۱۶۹.

مورد استفاده قرار بگیرد.

با توجه به این که طلق پژوهش‌های انجام شده سبک و روش زندگی عامل بروز ۷۰٪ اختلال‌های بدنی و روانی می‌باشد، کمک به کاهش این رقم با هر وسیله ممکن، عملاً نوعی اقدام در مسیر پیشگیری اولیه از بروز اختلال‌های بدنی و روانی است.

۷- فراگیری و پذیرش اعتقاد به ملکوت زمینه پذیرش مفهوم سعادت از دیدگاه روان‌شناسی اسلامی را فراهم می‌آورد.

مفهوم سعادت نیز با مفهوم ملکوت، ارتباطی تنگاتنگ دارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید حقیقت سعادت آن است که کار انسان در نهایت کار (تا ابد) به سعادت پایان پذیرد و حقیقت شقاوت آن است که پایان کار انسان (تا ابد) با شقاوت پایان پذیرد.^۱

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید: «ما خلقتم للفناء بل خلقتم للبقاء»^۲؛ شما برای باقی بودن خلق شدید نه برای فانی شدن.

با فراگیری و پذیرش آموزش‌های مربوط به ملکوت، زمینه لازم برای فهم و پذیرش آموزش‌های مربوط به سعادت ابدی فراهم می‌آید.

۸- فراگیری و پذیرش مفهوم ملکوت

موجب افزایش خودکنترلی می‌گردد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «یسیر من الهوی تفسد العقل»^۳؛ مقدار جزئی از هوای نفس، عقل انسان را فاسد می‌کند.

این هشدار در تنظیم نتایج ابدی رفتار بسیار راه‌گشا است و چنانچه واقعا مورد توجه فرد قرار گیرد، انسان در تنظیم رفتار خود نهایت دقت را خواهد کرد؛ زیرا چنانچه ساختار عقلانی انسان فاسد شود، تمام عواطف و رفتار او مختل خواهد شد. مفهوم حبط به معنای فاسد شدن و هدر رفتن عمل هفده بار در قرآن مجید مورد تأکید قرار گرفته است. امکان دارد که در روند فعل و انفعال‌های زندگی فرد، جنبه‌های مثبت زیاد باشند، ولی چنانچه با انگیزه ناشی از هوای نفس انجام شده باشند موجب می‌گردد تا تمام آن‌ها تباه شوند. مکانیسم سوختن و حبط، دقیقاً ناشی از حاکمیت هوای نفس است.

۹- فراگیری و پذیرش مفهوم ملکوت

۱- شیخ صدوق، خصال، ترجمه سید احمد فهری، ص

۷

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۷۸.

۳- آمدی، غررالحکم، ج ۱۴، ص ۳۲۵۱.

موجب واقع‌گرایی بیشتر می‌گردد.

پیام کلی تأکید بر مفهوم ملکوت، تأکید بر واقع‌گرایی است که معیار دستیابی به حکمت می‌باشد و اصولاً، ملکوت به مفهوم واقع‌اشیاء می‌باشد. امام جواد علیه السلام می‌فرماید: «والمحکم لیس بشیئین، انما هو شیء واحد. فمن حکم بما لیس فیه اختلاف، فحکمه من حکم الله عز و جل، و من حکم بامر فیه اختلاف فرأى انه مصیب فقد حکم بحکم الطاغوت»؛ و محکم دو چیز نیست، بلکه تنها یک چیز است. پس هر کس حکم بی‌اختلاف کند، حکمش حکم خدای عز و جل است. و هر کس حکمی کند که در آن اختلافی باشد و خود را مصیب داند به حکم طاغوت (باطل) حکم کرده است.

بر این اساس شناخت، عواطف و رفتار فرد همگی باید بر پایه واقع‌گرایی و حکمت باشد. در این صورت بنا به تعبیر امام صادق علیه السلام، نتیجه همه کارهای او نیک و قابل قبول می‌باشد. در صورت مغایر بودن شناخت، عواطف و رفتار فرد با واقع‌گرایی، در مسیر طاغوت گام برمی‌دارد. دستیابی به این نتیجه، نیاز به علم و آگاهی دارد و در حقیقت کلید دستیابی به رشد و سعادت از دیدگاه مکتب روان‌شناسی اسلامی، اصلاح شناخت و دستیابی به واقع‌گرایی است؛ زیرا

اساس تمام انحراف‌های فکری عاطفی و رفتاری جوامع بشری برخاسته از فقدان واقع‌گرایی است و به همین علت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ضمن مواجهه با نیروهایی که آن حضرت را مورد آزار قرار می‌دادند می‌گفت: «اللهم اهد قومی لائهم لا یعلمون»؛ خدایا آن‌ها را پیامرز؛ زیرا نمی‌دانند. یعنی اگر آن‌ها با واقعیت اعمال خویش مانند تبدیل شدن به آتش، میمون، خوک و گرگ آشنایی داشتند یقیناً خود را اصلاح می‌کردند.

بحث و نتیجه‌گیری

اعتقاد به تجسم رفتار و ملکوت، تغییر بسیار وسیعی را در تمام جنبه‌های مربوط به انسان ایجاد می‌کند که این تغییرات، ابدی هستند. در این مقاله ما تنها به تعدادی از این تغییرات اشاره کردیم. همکاری روان‌شناسان بالینی و اساتید حوزه و دست‌اندرکاران روان‌شناسی اسلامی می‌تواند برای هر یک از ابعاد ذکر شده پرسشنامه و ابزارهای تحقیقی اختصاصی تدوین نمایند و نتایج حاصله را به صورت پژوهش‌هایی کمی و کیفی مورد بررسی قرار دهند.

۱- کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶۰.

امیدواریم زمینه مساعد برای آموزش این واقعیت‌ها در جامعه فراهم آید، تا از نتایج آن تمام جوامع بشری بهره‌مند گردند. وظیفه ما این است که یا تأکید بر این اصول، زمینه را برای آموزش و پژوهش گسترده‌تر فراهم آوریم.

در پایان لازم است از استاد محمد مهدی رکنی که در ضمن بررسی مقاله، ارشادهای مفیدی نسبت به اصلاح آن به عمل آوردند سپاسگزاری نمایم.

منابع و مأخذ

- ۱- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم، تصحیح میرجلال‌الدین حسینی ارموی، چاپ دوم: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲- پورافکاری، فرهنگ جامع روان‌شناسی و روان‌پزشکی، انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۴۷۳ ش.
- ۳- جامع الاحیاء.
- ۴- حسینی، سید ابوالقاسم، بررسی مقدماتی اصول روان‌شناسی، چاپ دوم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- ۵- _____، روان‌شناسی اسلامی برای دانشجویان مرکزی و فرآیندهای رابط بین شناخت و فعالیت‌های عالی فتر مخ، انتشارات انزلی.
- ۶- _____، «زیربناهای نظری روان‌شناسی اسلامی»، فصلنامه اصول بهداشت روانی، شماره ۱۸، ۱۳۸۱ ش.
- ۷- الحرانی، تحف العقول، ترجمه علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۰ ق.
- ۸- حکمت‌نیا، محمد باقر، افاضات جلسه پزشکان، ۱۳۷۱-۱۳۸۲.
- ۹- حسین، فرهنگ یک جلدی فارسی - انگلیسی،

- ۱۰- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، چاپ دوم: مؤسسه لغتنامه دهخدا، ۱۳۷۷ ش.
 - ۱۱- محمدی ری‌شهری، میزان الحکمة، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۲ ش.
 - ۱۲- سجادی، سید جعفر، فرهنگ علوم عقلی، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۱ ش.
 - ۱۳- صدوق، ابن بابویه، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، انتشارات صدوق، ۱۳۶۳ ش.
 - ۱۴- _____، خصال، ترجمه سید احمد فهري زنجانى، انتشارات علمیه اسلامی، بی‌تا.
 - ۱۵- طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی، انتشارات محمدی.
 - ۱۶- طریزی، مجمع البحرین، چاپ سنگی، ۱۳۲۹ ش.
 - ۱۷- حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعة، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲ ق.
 - ۱۸- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم، مطبعة الحکمة، بی‌تا.
 - ۱۹- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۲ ش.
 - ۲۰- کشاورز، رضا، «تجسم اعمال و تبیین عقلانی آن در حکمت متعالیه»، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال چهارم، ش ۱۲، نایستان ۱۳۸۳ ش.
 - ۲۱- کلینی رازی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، انتشارات اسلامی، بی‌تا.
 - ۲۲- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، چاپ اسلامی.
 - ۲۳- مدنی، جلسات اختصاصی حل مسئله، ۱۳۸۵ ش.
 - ۲۴- نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ ق.
 - ۲۵- یاسری، محمود، خلاصة التفاسیر، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳ ق.
 - ۲۶- الموسوی السبزواری، سید عبدالاعلی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، مؤسسه المنار.
- 27- Linford Rees: A Short Textbook of Psychiatry, Hodder & Stoughton. Third edition, 1982. pp. 49-53.